

«مقاله پژوهشی»

پیش‌بینی بهزیستی اجتماعی بر اساس باور به دنیای عادلانه، بخشش و بهزیستی معنوی

با توجه به نقش واسطه‌ای جنسیت

1. فرزانه میکائیلی‌منیع*، 2. رقیه گلی‌زاده، 3. هلدای قربانی

1. دانشیار روانشناسی تربیتی، گروه روانشناسی، دانشگاه ارومیه. ارومیه. ایران، 2. کارشناس ارشد روانشناسی، گروه روانشناسی، دانشگاه ارومیه. ارومیه. ایران، 3. کارشناس ارشد روانشناسی تربیتی، گروه روانشناسی، دانشگاه ارومیه. ارومیه. ایران.

(تاریخ وصول: 98/02/03 - تاریخ پذیرش: 99/03/03)

Investigating the Relationship between Belief in a Just World, Forgiveness and Spiritual Well-Being with Social Well-Being (Role of Gender)

1. Farzaneh Mikaeeli Mani*, 2. Roghayeh Golizadeh, 3. Helda Ghorbani

1. Associate of Professor of Educational Psychology, Department of Psychology, Orumiah University. Orumiah. Iran, 2. M.A in Psychology, Department of Psychology, Orumiah University. Orumiah. Iran, 3. M.A in Educational Psychology, Department of Psychology, Orumiah University. Orumiah. Iran.

(Received: Apr. 23, 2019 - Accepted: May. 23, 2020)

Abstract

Objective: The purpose of this study was to investigate the relationship between belief in a just world, spiritual well-being and forgiveness with social well-being (gender role). The method used in this research was purposeful, applied and descriptive-correlation (simple regression). A sample of 419 students of Urumia University (213 female students and 206 male students) were selected through Multi-stage cluster sampling from the students. To collect data, questions from Believing in the Just World (BJW), Sutton and Douglas (2005), Dulbert (1999) and Deltbert et al (2001), Spiritual well-bein (SWB), Polutzin and Ellison (1982), forgiveness (GF) Walker and Garrosh (2002) and Social well-being (SW), Keyez (1998) were used. The data were analyzed using SPSS software based on descriptive statistics (mean and standard deviation) and inferential statistics (correlation coefficient and hierarchical regression). The results of this study showed that there is a significant relationship between the belief in the just world and social well-being in the students, and there is no meaningful relationship between forgiveness and spiritual well-being and social well-being, and none of the gender variables has any meaningful relationship. Therefore, strengthening social belief in a fair world of students can strengthen social well-being in them. Therefore, the results of this research can be applied to counseling centers of universities as well as planners in order to develop programs to strengthen the spirituality and believe in a just world to improve the social well-being of students.

Keywords: Belief in a Just World, Forgiveness, Spiritual Well-Being, Social Well-Being.

چکیده

مقدمه: هدف این پژوهش بررسی رابطه بین باور به دنیای عادلانه، بهزیستی معنوی و بخشش با بهزیستی اجتماعی (نقش جنسیت) است. روش: روش مورد استفاده در این پژوهش برحسب هدف، کاربردی و از نوع توصیفی - همبستگی بود. نمونه پژوهش حاضر 419 نفر از دانشجویان دانشگاه ارومیه (213 نفر دانشجوی دختر و 206 نفر دانشجوی پسر) هستند که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای از بین جامعه دانشجویان این دانشگاه انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه‌های باور به دنیای عادلانه (BJW) ساتون و داگلاس (2005) دلبرت (1999) و دلبرت و همکاران (2001)، بهزیستی معنوی (SWB) پولوتزین و الیسون (1982)، بخشش (GF) والکر و گاروش (2002) و بهزیستی اجتماعی (SW) کییز (1998) استفاده شد. داده‌های به دست آمده با استفاده از نرم‌افزار SPSS و بر اساس شاخص‌های آمار توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) و آمار استنباطی (ضریب همبستگی و رگرسیون سلسله مراتبی) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. یافته‌ها: یافته‌های این پژوهش نشان داد بین باور به دنیای عادلانه و بهزیستی اجتماعی در دانشجویان رابطه معنادار وجود دارد ولی بین بخشش و بهزیستی معنوی با بهزیستی اجتماعی رابطه معنادار وجود ندارد و نیز در رابطه هیچ‌کدام از متغیرها جنسیت، نقش مؤثری نداشت؛ بنابراین با تقویت باور به دنیای عادلانه در دانشجویان می‌توان بهزیستی اجتماعی را در آنان تقویت نمود. نتیجه‌گیری: لذا نتایج این پژوهش می‌تواند برای مراکز مشاوره دانشگاه‌ها و نیز مسئولین برنامه‌ریز در جهت تدوین برنامه‌هایی برای تقویت روحیه معنوی‌گرا و باور به دنیای عادلانه در جهت بهبود بهزیستی اجتماعی دانشجویان کاربردی شود.

واژگان کلیدی: باور به دنیای عادلانه، بخشش، بهزیستی معنوی، بهزیستی اجتماعی.

* نویسنده مسئول: فرزانه میکائیلی‌منیع

Email: f.michaeli.maneec@gmail.com

*Corresponding Author: Farzaneh Mikaeeli Mani

مقدمه

با جامعه و اجتماع اشاره دارد و افراد دارای انسجام اجتماعی، احساس می‌کنند که بخشی از جامعه بوده و به دنبال موقعیت‌های اجتماعی هستند که به آن‌ها کمک کند تا احساس تعلق و دل‌بستگی به جامعه داشته باشند. مشارکت اجتماعی به باور فرد، نسبت به این مسئله اشاره دارد که او می‌تواند فعالیت‌ها یا اهداف معینی را دنبال کند که برای جامعه ارزشمند هستند. از طرفی شکوفایی اجتماعی، ارزیابی فرد از پتانسیل و روند سیر جامعه است و بر پتانسیل جامعه به‌عنوان مکانی بهتر برای زندگی شهروندان و امکان ایجاد تغییرات مثبت تأکید دارد (حیدری و غنایی، 1387). از نظر کیز (2006) کیفیت زندگی و عملکرد شخصی فرد را نمی‌توان بدون توجه به معیارهای اجتماعی ارزیابی کرد. عملکرد خوب در زندگی چیزی بیش از سلامت روانی است و تکالیف و چالش‌های اجتماعی را نیز در بر می‌گیرد. فرد سالم از نظر اجتماعی زمانی عملکرد خوب دارد که اجتماع را به صورت یک مجموعه معنادار و قابل فهم و بالقوه برای رشد و شکوفایی بداند و احساس کند که متعلق به گروه‌های اجتماعی است و خود را در اجتماع و پیشرفت آن سهیم بداند. لذا پژوهش‌ها نشان می‌دهند عوامل مختلفی چون حمایت اجتماعی (فیروزبخت، ریاحی و تیرگر، 1396) و عمل به واجبات و فعالیت‌های مذهبی (دی²، 2010) می‌توانند بر بهزیستی اجتماعی زنان تأثیرگذار باشند. از طرفی مفاهیم و نظریه‌های نقش، فشارها و

امروزه در روانشناسی سلامت، بر اساس تعریف سازمان بهداشت جهانی که سلامتی را نه تنها نبود بیماری یا معلولیت، بلکه حالت بهینه خوب بودن جسمی، روانی و اجتماعی تعریف کرده به تأثیر متقابل جنبه‌های زیستی، روانی و اجتماعی در مورد بیماری و سلامت و به بعد اجتماعی سلامت به‌عنوان یکی از ابعاد مهم سلامت انسان اشاره شده است (اصفهانی، 1389). نقش عوامل اجتماعی و محیطی مؤثر بر سلامت انسان‌ها، از زمان‌های بسیار قدیم شناسایی شده است، اما توجه نکردن کافی به ابعاد روانی، رفتاری و اجتماعی افراد زمینه بروز آسیب‌های روانی، خودکشی، فرار از خانه، افت تحصیلی و سایر آسیب‌های اجتماعی را به وجود خواهند آورد (مرندی، 1390). لذا تأمین بهزیستی اجتماعی افراد جامعه و به‌ویژه دانشجویان که قشر جوان و فعال هر جامعه محسوب می‌شوند از مهم‌ترین مسائل اجتماعی است (نیکوگفتار، 1388). کیز¹ (1998) بهزیستی اجتماعی را به‌عنوان انعکاس ارزیابی فرد از تجاربش در سطح جامعه معرفی می‌کند. او پنج بعد را به‌عنوان عوامل سازنده بهزیستی اجتماعی معرفی می‌کند که در کنار هم نشانگر میزان کنش‌وری مطلوب فرد در زندگی اجتماعی وی هستند. در مدل کیز، بهزیستی اجتماعی مفهومی چندبعدی است که شامل انسجام اجتماعی، مشارکت اجتماعی، شکوفایی اجتماعی، پیوستگی اجتماعی و پذیرش اجتماعی است. انسجام اجتماعی به کیفیت روابط شخص

ناهمخوانی بین انتظارات فردی و اجتماعی را مشخص می‌کنند (بایدل¹، 1986؛ هیز²، 1981). وجوه خصوصی و عمومی زندگی، دو منبع بالقوه چالش‌های زندگی هستند و پیامدهای احتمالاً متمایزی برای قضاوت درباره زندگی سالم دارند (کییز و شاپیرو³، 2004). شناخت‌ها و باورها در باب انسان‌ها و همچنین نسبت به دنیا، هر دو ابعادی از مفروضات بنیادی زندگی هر فرد هستند (جانوف و بولمن⁴، 1992).

در مرکز نظام‌های باورهای فرد، مفروضات بنیادی افراد در باب انسان‌ها و دنیا، تفسیر افراد را از وقایع و حوادث، مورد پالایش قرار می‌دهد. یکی از مجموعه باورهای مهم در این راستا باور به دنیای عادلانه⁵ است (لرنر⁶، 1980 و لرنر، 1978). بر مبنای نظریه دنیای عادلانه، برای تلقی دنیا به‌عنوان مکانی عدالت محور، لازم است انسان‌های خوب با پیامدهای خوب و انسان‌های بد با پیامدهای بد مواجه شوند، چرا که دستاوردهای مختلف برای انسان، حاصل نیک‌خواهی دنیا نیست؛ بلکه حاصل تلاش و شایستگی آنهاست (گل‌پرور و جوادیان، 1390). باور به دنیای عادلانه، باوری فراگیر و تأثیرگذار است که انسان را در تک‌تک عرصه‌های زندگی همراهی می‌کند. اساس روان‌شناختی این باورها، این ایده است که انسان علاوه بر دنیای باقی، در دنیای کنونی چیزی عایدش می‌شود که

شایستگی‌اش را داشته باشد. این باورها قریب به چهار دهه پژوهش و نظریه‌پردازی را در خارج از ایران و چیزی کمتر از یک دهه پژوهش را در داخل ایران به خود اختصاص داده است. حاصل نظریه‌پردازی‌ها و پژوهش‌های مورد اشاره، پاسخی هدایت‌گرانه به این سؤال را فراهم نموده است: چرا باور به دنیای عادلانه اهمیت دارد؟ (گل‌پرور، عابدینی و شاهنگی، 1393). شواهد تحقیقی نشان می‌دهد که باور به دنیای عادلانه دارای کارکردهای سازگارانه‌ای است؛ نظیر ایجاد الزام و تعهد درونی در افراد برای رفتار به شیوه منصفانه، به دست دادن چهارچوبی برای تعبیر حوادثی که برای افراد اتفاق می‌افتد و نیز ایجاد امنیت و اطمینان خاطر برای هدفمند بودن در زندگی (گل‌پرور و جوادیان، 1390). معتقدان به باور به دنیای عادلانه، احتمالاً برای آینده خود با اطمینان بیشتر برنامه‌ریزی می‌کنند و انتظار دارند که زندگی آن‌ها همراه با نظم و معناداری بیشتری پیش رود (گل‌پرور و جوادی، 1385). برخی از مطالعات نشان داده‌اند که یکی از عوامل مهم که در باور به دنیای عادلانه تعیین کننده است تجربه رفتارهای ناعادلانه و قرار گرفتن در یک گروه محروم از حمایت جامعه است (کاراداق و آکگان⁷، 2016). از سوی دیگر، باور به دنیای عادلانه یکی از عوامل مرتبط با رضایت از زندگی است که شامل باورهای منطقی و غیرمنطقی می‌شود. باورهای انسان، از جمله باور به دنیای عادلانه تحت تأثیر فرهنگ است. باور به اینکه در دنیا عدالت اجرا می‌شود، نقشی مهم و تأثیرگذار

1. Biddle
2. Heiss
3. Shopirow
4. Janoff & Bulman
5. Belief in a just world
6. Lerner

7. Karadag & Akghan

اجتماعی‌شان را به طور پایدار و منظم درک کنند. مردم فکر می‌کنند که دنیا عادلانه است و آن‌ها قربانیان بی‌گناه وقایع پیش‌بینی نشده نخواهند بود، هنگام مواجهه با بی‌عدالتی دچار پریشانی می‌شوند و سعی می‌کنند تا این احساس ناراحتی را با قربانیان معاف شده، تغییر در دریافت‌ها و درک‌ها یا کمک به قربانیان بی‌گناه محدود کنند (زنگ و زنگ¹، 2016). نتایج پژوهشی که توسط زنگ و زنگ در سال 2016 در بین جوانان چین انجام شده حاکی از آن بود که بین رضایت از زندگی و ایجاد اعتماد، به‌ویژه با میانجی‌گری باور به دنیای عادلانه عمومی رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد. تحقیقات نشان می‌دهند که رابطه مثبت و معناداری بین رضایت از زندگی و باور به دنیای عادلانه در دانشجویان وجود دارد (رهپرداز و شیرازی، 1395). یافته‌های تحقیقی نشان می‌دهد که بین متغیرهای سلامت عمومی، رضایت از زندگی و عاطفه مثبت با هر دو بعد باور به دنیای عادلانه (خود و دیگران) رابطه مثبت و معناداری وجود دارد (جوادی و گل‌پرور، 1385). همچنین نتایج تحقیقات آکگان و کاراداق (2016) نشان داد که پسران نسبت به دختران بیشتر به دنیای عادلانه باور دارند. درست است که در باور به دنیای عادلانه گفته می‌شود بین آنچه افراد انجام می‌دهند و آنچه برای آن‌ها اتفاق می‌افتد تناسبی بنیادین وجود دارد (لرنر، 1978)، اما یکی از محدود واقعیت‌های مسلم زندگی بشری این است که نمی‌توان انسانی را یافت که هرگز احساس آزرده‌گی، سرخورده‌گی، مورد خیانت واقع شدن،

بر چگونگی رویارویی فرد با مشکلات و سلامت روان آنان دارد، به‌ویژه در سنین جوانی به دلیل تکالیف رشدی که جوانان با آن روبرو می‌شوند (مثل پیدا کردن شغل، طراحی برای آینده، شناخت اجبارها و فشارها و تشکیل خانه و خانواده‌های مستقل)، برای مقابله با این فشارها به منابع روان‌شناختی نیازمندند (خسروی و ناهیدپور، 1391).

لرنر (1974) معتقد است که از دیدگاه یادگیری اجتماعی، رشد باور به دنیای عادلانه بر اساس درونی کردن هنجارهای فرهنگی، کافی نیست بلکه نیاز به درک اهمیت انگیزشی این باور است. تجزیه و تحلیل نظریه لرنر به دو بعد شخصیت اشاره می‌کند که ممکن است مربوط به باور به دنیای عادلانه باشد. اولین بعد، توانایی به تأخیر انداختن وظایف شخص است و بعد دوم تغییر از لذت به سمت درک واقعیت است، در نتیجه با قاطعیت با این مفهوم مرتبط است که جهان یک مکان واقعی است. طبق نظریه دنیای عادلانه لرنر (1980) مردم برانگیخته می‌شوند تا باور کنند که دنیا تنها مکانی است که به انسان‌های خوب، پاداش داده می‌شود و انسان‌های بد، تنبیه می‌شوند. افراد نیاز دارند که باور کنند آن‌ها در جهانی زندگی می‌کنند که مردم عموماً آنچه را که سزاوار آن هستند به دست می‌آورند. لرنر باور به دنیای عادلانه را به‌عنوان یک توهم اساسی توضیح می‌دهد، زیرا برای امنیت و سلامت روان ضروری است و توهم است، زیرا درست نیست، اما با انگیزه از آن دفاع می‌شود. باور به دنیای عادلانه منجر به این می‌شود که مردم محیط فیزیکی و

نومیدی و ظلم یا بی‌عدالتی را از سوی انسانی دیگر تجربه نکرده باشد. در چنین مواردی احساسات منفی مانند خشم، رنجش، نومیدی، اضطراب و یأس امری عادی است و وجود انگیزه برای اجتناب از منبع آزار یا میل به جبران و انتقام نیز عادی است. واکنش‌های انسان در برخورد با رنجش به سه صورت اجتناب، انتقام و بخشش نمایان می‌شود (مک‌کلو¹ و همکاران، 2001). باور به دنیای عادلانه با ایجاد سازگاری هر چه بیشتر افراد با فشارها و تهدیدهای زندگی از جمله توجه به بخشش در نهایت، باعث بهزیستی انسان می‌شود.

بخشش² یکی از فرآیندهای روان‌شناختی و ارتباطی برای افزایش سلامت روان و التیام آزرده‌گی است که لازمه رشد ارتباطی، عاطفی، جسمانی و روحانی فرد بوده و بر بیشتر شاخص‌های سلامت روان و رضایت از زندگی مؤثر است (زندئ‌پور و یادگاری، 1386). یکی از بنیان‌گذاران بحث بخشش انرایت³ (1998) است. او بخشش را به‌عنوان یک فرآیند مطرح می‌کند که فرد باید آن را آگاهانه انتخاب کند. امروزه بخشش به‌عنوان یکی از مهارت‌های زندگی مطرح است که می‌تواند روابط فردی، زناشویی، خانوادگی و اجتماعی را بهبود ببخشد (کلانتری و اسماعیلی، 1394). در علم روان‌شناسی بخشش به‌عنوان تحولی عاطفی که آزادانه برگزیده شده و طی آن میل به انتقام از خطاکار کاهش می‌یابد تعریف شده است. از طرف دیگر بخشش فرآیند

آزادسازی عاطفی-روانی است که در درون فرد آزار دیده رخ داده و او را از عصبانیت، خشم و ترس وارهانیده و میل به انتقام و ایفای حق وی کاهش پیدا می‌کند (یادگاری و زندئ‌پور، 1386). بخشش می‌تواند نسبت به خود، دیگری، خانواده، جامعه یا فرهنگ صورت گیرد. آنچه این مفهوم را از مفاهیم مشابهی مانند «انطباق یافتن یا مقابله» جدا می‌کند، وجود عوامل انگیزشی و ارادی در فرآیند و یا فرآورده بخشش است (توسینت و وب⁴، 2005). تامپسون⁵ و همکاران (2005) معتقدند وقتی افراد، خطا و خطاکار را می‌بخشند آن‌ها به پردازش شناختی، عاطفی و رفتاری خطا می‌پردازند و پاسخی مثبت در جهت بخشیدن خطا بروز می‌دهند. دیبل⁶ (2012) به این نکته اشاره کرد که مدارس می‌توانند نقش مهمی در توسعه مفهوم بخشش و کاربرد آن توسط دانش‌آموزان داشته باشند. او معتقد بود برای اینکه بخشش به طور مؤثر در مدرسه توسعه و بهبود پیدا کند، درک پیش‌نیازهای توسعه‌ای بخشش از یک طرف و برخورداری آموزگاران از دانش مربوط به اینکه بچه‌ها چگونه بخشش را در مدرسه درک می‌کنند از طرف دیگر، حیاتی به نظر می‌رسند. تا این اواخر، مقاله‌های درج شده درباره بخشش بیشتر از جنبه مذهبی و دینی بوده است. حدود سه دهه است که در جامعه روان‌شناسی مفهوم «بخشش» مورد توجه قرار گرفته و حدود یک دهه است که به صورت تجربی و آزمایشی مورد تحقیق و

4. Tossiant & Webb
5. Thompson
6. Diebel

1. Mcclough
2. Forgiveness
3. Anright

معنویت تحت عنوان سازه بهزیستی معنوی انجام داده‌اند (هارتز⁵، 2005). بهزیستی معنوی وضعیتی از سلامتی است که احساسات، رفتارها و تشخیص‌های مثبت را نسبت به رابطه با خود، دیگران، طبیعت و موجودات برتر نشان می‌دهد (فیشر و گومز⁶، 2016). بهزیستی معنوی به‌عنوان تثبیت زندگی فردی در رابطه با افراد مقدس، خود، جامعه و محیطی که در آن پرورش یافته، تعریف شده است (الیسون⁷، 1983؛ فیشر، 2002). (2002). بهزیستی معنوی شامل یک عنصر روانی - اجتماعی و یک عنصر مذهبی است (الیسون، 1983). بهزیستی مذهبی؛ عنصری مذهبی و بیانگر ارتباط با یک قدرت برتر یعنی خداست و بهزیستی وجودی؛ عنصری روانی اجتماعی و بیانگر احساس فرد از اینکه «چه کسی است، چه کاری را و برای چه انجام می‌دهد و به کجا تعلق دارد» است. هم بهزیستی مذهبی و هم بهزیستی وجودی شامل تعالی و حرکت فراتر از خود می‌باشند. بعد بهزیستی مذهبی ما را در مسیر رسیدن به خدا هدایت می‌کند، اما بعد بهزیستی وجودی، ما را فراتر از خودمان و به سوی دیگران و محیطمان سوق می‌دهد (صفائی‌راد و همکاران، 1389). ریلی⁸ و همکاران (1998) معتقدند که بهزیستی معنوی به‌عنوان فلسفه محوری زندگی و حاصل برآورده شدن نیاز به هدف، معنا، عشق و بخشش در نظر گرفته شده و «سلامت وجودی» به تلاش برای درک معنا و هدف در زندگی و «سلامت مذهبی» به رضایت

بررسی قرار گرفته است (باسکین و انرایت¹، 2004). منافع متصور بر بخشش در بهزیستی فرد، مهم‌ترین محرک پژوهش‌های مربوط به بخشش در 20 سال اخیر بوده است. نتایج تحقیقات ورثینگتون² و همکاران (2005) و وهل³ و همکاران (2010) نشان می‌دهد که بخشش، آشفتنگی هیجانی را کاهش می‌دهد و تمایل فرد به سمت رفتارهای گرایشی را افزایش می‌دهد و به انطباق بهتر و در نتیجه بهزیستی افراد کمک می‌کند. یکی از ابعاد بنیادین بهزیستی، سلامت و نیروی هماهنگ‌کننده و تکمیل‌کننده سایر ابعاد سلامت انسان (جسمی، روانی، اجتماعی و هیجانی) بهزیستی معنوی⁴ است. تنیدگی‌های مختلف محیطی از جمله عواملی هستند که در بین دانشجویان به شکست تحصیلی، بیکاری، اعتیاد و سوء‌مصرف مواد، مشکلات سلامت، ضعف در عملکرد، ترک تحصیل و در برخی موارد حتی به خودکشی و دگرکشی منجر می‌شوند. لذا در مواجهه با تنیدگی‌های مختلف و واکنش‌های حاصل از آنها دانشجویان معمولاً سعی می‌کنند از روش‌های مقابله‌ای مختلفی مانند اجتناب از تنیدگی، جستجوی حمایت اجتماعی یا روی آوردن به مذهب و انجام مناسک مذهبی خاص استفاده کنند (صفائی‌راد، کریمی، شموسی و احمدی طهور، 1389). طرفداران نقش معنویت در بهبود سلامت روانی و سازگاری بین فردی، تلاش‌های متعددی را جهت برقراری ارتباط بین دو مفهوم سلامت و

5. Hartz
6. Fisher & Gomez
7. Elison
8. Reily

1. Baskin & Enrait
2. Worthington
3. Wohl
4. Spiritual wellbeing

متغیرهای مذکور با بهزیستی اجتماعی و همچنین پاسخگویی به این سؤال که آیا جنسیت در رابطه بین این متغیرها با بهزیستی اجتماعی تأثیرگذار هستند یا نه؟ اجرا گردید.

روش

پژوهش حاضر به دلیل ماهیت و موضوع، توصیفی - همبستگی است. جامعه این پژوهش شامل کلیه دانشجویان دانشگاه ارومیه بود که حجم نمونه افراد مورد نیاز برای شرکت در این پژوهش انتخاب و سپس اهداف پژوهش و توضیحات تکمیلی در خصوص نحوه تکمیل پرسشنامه‌ها به شرکت‌کننده‌ها داده شد. با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای تعداد 419 نفر که در سال تحصیلی 95-96 به تحصیل مشغول بودند، انتخاب شدند. برای تعیین حجم نمونه از جدول مورگان استفاده شد.

در این پژوهش سعی شد تا جنبه‌های اخلاقی در کنار ابعاد فنی و تکنیکی لحاظ شوند. برخی از این ملاحظات به این شرح است: دانشجویان شرکت‌کننده در این پژوهش از اختیار لازم برای همکاری برخوردار بودند و رضایت آنان به صورت شفاهی جلب شد و اطلاعات مربوط به شرکت‌کننده‌ها محفوظ نگاه داشته شد و این اطمینان به آنان داده شد که اطلاعات محرمانه خواهد بود. برای تحلیل داده‌ها علاوه بر روش‌های آمار توصیفی از روش‌های آمار استنباطی همچون ضریب همبستگی پیرسون و ضریب رگرسیون چندگانه، استفاده شد. نرم‌افزار مورد استفاده SPSS نسخه 21 بود. ابزارهای پژوهش عبارت‌اند از:

حاصل از ارتباط با یک قدرت برتر یا خداوند اطلاق می‌گردد. به طور کلی بهزیستی معنوی ارتباط هماهنگ و یکپارچه را بین نیروهای داخلی فراهم می‌کند و با ویژگی‌های ثبات در زندگی، صلح و هماهنگی، احساس ارتباط نزدیک با خویشتن، خدا، جامعه و محیط مشخص می‌شود (آنونیموس¹، 1979). تقویت بهزیستی معنوی، سازگاری با شرایط را افزایش می‌دهد، نگرش فرد را نسبت به دنیای اطرافش بهبود می‌بخشد و موجب کاهش احساسات منفی، تنش‌ها و ایجاد حس استقلال و قدرت می‌شود (مولر² و همکاران، همکاران، 2001). پژوهش‌ها نشان می‌دهد که بهزیستی معنوی با کاهش اضطراب (حاتمی‌پور، رحیم‌آقایی و دلفان، 1395)، افزایش عملکرد تحصیلی (لاول³، 2010؛ طیبی و همکاران، 1392؛ 1392؛ لاین⁴، 2005؛ خرم و جباری، 1393)، افزایش کیفیت زندگی (شهبازی‌راد، مؤمنی و میردریکوند، 1395) و افزایش خودکارآمدی (حیدرزادگان و کوچک‌زائی، 1395) رابطه مستقیم دارد؛ بنابراین معنویت و بهزیستی معنوی یکی از ابعاد مهم سلامت فرد است و بر زندگی فردی و اجتماعی او اثرات قابل‌توجهی می‌گذارد.

بر اساس موارد ذکر شده و با توجه به عدم وجود پژوهشی که رابطه متغیرهای باور به دنیای عادلانه، بخشش و بهزیستی معنوی را با بهزیستی اجتماعی مورد بررسی قرار داده باشد، پژوهش حاضر با هدف بررسی و کشف رابطه میان

1. Anonymos
2. Muller
3. Laval
4. Line

اجرا شده است. در پژوهش گل‌پرور و عریضی (1386) پایایی پرسشنامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس‌های باورهای دنیای عادلانه برای خود و باورهای دنیای عادلانه برای دیگران به ترتیب برابر با 0/72 و 0/84 و در پژوهش گل‌پرور و جوادی (1385) آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس‌های باورهای دنیای عادلانه عمومی و باورهای دنیای ناعادلانه به ترتیب برابر با 0/90 و 0/35 به دست آمد که میزان رضایت بخشی است. همچنین، نتایج پژوهش گل‌پرور و عریضی (1386) جهت تعیین روایی محتوایی با استفاده از نظر متخصصان حاکی از روایی محتوایی و هم‌زمان پرسشنامه و نتایج تحلیل عاملی اکتشافی و تحلیل مؤلفه‌های اصلی از طریق چرخش واریماکس مؤید وجود 4 عامل دارای ارزش ویژه بزرگ‌تر از یک تحت عنوان «باورهای دنیای عادلانه برای خود»، «باورهای دنیای عادلانه برای دیگران»، «باورهای دنیای عادلانه عمومی» و «باورهای دنیای ناعادلانه» بوده است.

پرسشنامه 33 گویه‌ای بهزیستی اجتماعی توسط کیز (1998) بر اساس مدل نظری او از سازه بهزیستی اجتماعی تهیه شده است. او طی دو مطالعه بر روی دو نمونه 373 و 2887 نفری در آمریکا با استفاده از تحلیل عوامل، مدل 5 بعدی به‌کاررفته در پرسشنامه خود را از نظر تجربی مورد تأیید قرار داده است. پرسشنامه بهزیستی اجتماعی 33 گویه‌ای توسط کیز (1998) بر اساس مدل نظری او از سازه بهزیستی اجتماعی طراحی شده است که معمولاً به‌عنوان مقیاسی

پرسشنامه سلامت معنوی: پرسشنامه 20 سؤالی سلامت معنوی پولوتزین¹ و الیسون (1982) که 10 سؤال آن سلامت مذهبی و 10 سؤال دیگر سلامت وجودی فرد را می‌سنجد. نمره سلامت معنوی جمع این دو زیرگروه است که دامنه آن بین 20-120 است. پاسخ این سؤالات به صورت لیکرت 6 گزینه‌ای از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم دسته‌بندی شده است. این پرسشنامه در ایران توسط عباسی در سال 1384 بر روی 283 دانشجوی پرستاری دانشگاه‌های ایران، تهران و شهید بهشتی اجرا گردیده است. برای این پرسشنامه $R=82/0$ گزارش شده است.

پرسشنامه باور به دنیای عادلانه: توسط ساتون و داگلاس² (2005)، دالبرت³ (1999) و دالبرت و دونات⁴ (2015) بر اساس باورهای عمومی (عادلانه بودن دنیا) و باورهای شخصی (عادلانه بودن وقایعی که در زندگی خود فرد اتفاق می‌افتد) طراحی شده است. این پرسشنامه ابتدا توسط گل‌پرور و عریضی (1386) به زبان فارسی ترجمه و سپس نسخه ترجمه شده فارسی به انگلیسی برگردانده شد. پس از آن، قابل فهم و رسا بودن متن، توسط اساتید روان‌شناسی مورد بررسی قرار گرفت و پرسشنامه به تعدادی از دانشجویان داده شد تا اشکالات موجود احتمالی مشخص گردد و به این ترتیب نسخه فارسی پرسشنامه باور به دنیای عادلانه 27 گویه‌ای تهیه و بر روی 1500 نفر از ساکنین بالای 17 سال شهر اصفهان

1. Puloutzin
2. Satoun & Dagloss
3. Dalbert
4. Donat

206 نفر (49/3 درصد) از نمونه مرد و 213 نفر (50/7 درصد) زن هستند.

پیش از آزمون فرضیه‌های تحقیق مفروضه‌های تحلیل رگرسیون بررسی شد. داده‌های پرت تک متغیره و چند متغیره با استفاده از نمودار جعبه‌ای و آماره ماهالانویس شناسایی و حذف شدند. نمودار هیستوگرام مقادیر باقیمانده حاکی از برقراری مفروضه نرمال بودن توزیع باقی‌مانده‌ها بود. برقراری مفروضه همگنی پراکندگی با نمودار پراکندگی مورد تأیید قرار گرفت. آماره دوربین واتسن 2/09 بود که نشان‌دهنده برقراری مفروضه استقلال باقیمانده‌ها بود. بزرگ‌ترین مقدار تورم واریانس $VIF=1/03$ بود که به طور قابل‌ملاحظه‌ای کمتر از نقطه برش 10 است و بیانگر عدم هم‌خطی چندگانه بین متغیرهای پیش‌بین است.

میانگین، انحراف معیار و ضرایب همبستگی برای مردان و زنان به ترتیب در جدول شماره 1 و 2 آورده شده است. در مردان بهزیستی اجتماعی رابطه مثبت و معناداری با دنیای عادلانه دارد ($r=0/25$). بهزیستی معنوی با بخشش رابطه مثبتی دارد ($r=0/15$). در گروه زنان همانند مردان بهزیستی اجتماعی رابطه مثبت و معناداری با دنیای عادلانه دارد ($r=0/18$)، اما این رابطه ضعیف‌تر است. بهزیستی معنوی با دنیای عادلانه رابطه مثبتی دارد ($r=0/18$). ضرایب همبستگی مشاهده شده نشان داد رابطه بخشش و بهزیستی معنوی با بهزیستی اجتماعی در مردان و زنان معنادار نبود.

عمومی در روانشناسی سلامت اجتماعی جهت تعیین میزان سلامت و بهزیستی اجتماعی به کار می‌رود. پرسشنامه بهزیستی اجتماعی ابتدا توسط صفاری‌نیا و تبریزی (1391) به زبان فارسی ترجمه و سپس نسخه ترجمه شده فارسی به انگلیسی برگردانده شد. پس از آن، قابل فهم و رسا بودن متن، توسط اساتید روان‌شناسی مورد بررسی قرار گرفت و پرسشنامه به تعدادی از دانشجویان داده شد تا اشکالات موجود احتمالی مشخص گردد و به این ترتیب نسخه فارسی پرسشنامه بهزیستی اجتماعی 33 گویه‌ای تهیه و بر روی 400 زن و مرد شهر تهران اجرا شده است.

زیرمقیاس‌های گذشت نسبت به خود و دیگران از پرسشنامه گذشت والکر و گارسوخ¹ (2002): این دو زیرمقیاس از پرسشنامه گذشت والکر و گارسوخ گرفته شده است، اصل این پرسشنامه دارای 22 آیتم است. این دو زیرمقیاس آن دارای 10 آیتم (هرکدام 5 آیتم) می‌باشند و آزمودنی به هر دو زیرمقیاس روی مقیاس 7 درجه‌ای لیکرت از «نه اصلاً» تا «کاملاً» پاسخ می‌دهد. والکر و گارسوخ (2002) آلفای کرونباخ زیرمقیاس گذشت نسبت به دیگران را 0/83 و آلفای کرونباخ زیرمقیاس گذشت نسبت به دیگران 0/86 را گزارش کرده‌اند.

یافته‌ها

تحلیل یافته‌های جمعیت‌شناختی نشان داد که

1. Walker & Garsokh

فرزانه میکانیکی منبع و همکاران: پیش‌بینی بهزیستی اجتماعی بر اساس باور به دنیای عادلانه، بخشش و بهزیستی معنوی با ...

جدول 1. میانگین، انحراف معیار و ضرایب همبستگی متغیرهای تحقیق در گروه مردان

4	3	2	1	انحراف معیار	میانگین	
			1	7/70	39/40	1. بخشش
		1	0/15*	10/67	68/02	2. بهزیستی معنوی
	1	-0/05	-0/03	14/73	93/02	3. دنیای عادلانه
1	0/25**	-0/08	0/03	13/72	108/18	4. بهزیستی اجتماعی

*P<0/05 **P<0/01

جدول 2. میانگین، انحراف معیار و ضرایب همبستگی متغیرهای تحقیق در گروه زنان

4	3	2	1	انحراف معیار	میانگین	
			1	7/73	40/99	1. بخشش
		1	0/098	8/61	69/16	2. بهزیستی معنوی
	1	-0/18**	0/05	14/73	85/44	3. دنیای عادلانه
1	0/18**	-0/11	-0/01	10/53	104/24	4. بهزیستی اجتماعی

*P< 0/05 **P<0/01

برای آزمون نقش تعدیل‌کننده جنسیت در رابطه متغیرها با بهزیستی اجتماعی از تحلیل رگرسیون گام به گام استفاده شد (جدول 4). متغیر جنسیت در قالب یک متغیر دو ارزشی (مرد=0، زن=1) به مدل وارد شد. در مرحله اول جنسیت، بخشش، بهزیستی معنوی و دنیای عادلانه به مدل رگرسیون وارد شدند. نتایج این مرحله نشان داد که حدود 7 درصد از واریانس بهزیستی اجتماعی توسط این چهار متغیر تبیین می‌شود ($R^2=0/07$)، $F(4,13)=8/59$. ضریب جنسیت برای پیش‌بینی بهزیستی اجتماعی

این ضریب نشان می‌دهد میانگین بهزیستی اجتماعی زنان کمتر از مردان است. دنیای عادلانه نیز یک رابطه مثبت و معنادار با بهزیستی اجتماعی دارد (0/21 β). در مرحله دوم کنش متقابل جنسیت با سه متغیر پیش‌بین به مدل رگرسیون اضافه شد. معنادار بودن هر یک از کنش‌های متقابل به معنای تأثیر تعدیل‌کننده جنسیت در رابطه بین متغیر پیش‌بین و بهزیستی اجتماعی است. همان‌طور که در جدول 4 مشاهده می‌شود هیچ‌کدام از کنش متقابل که در بلوک دوم به مدل

برای آزمون نقش تعدیل‌کننده جنسیت در رابطه متغیرها با بهزیستی اجتماعی از تحلیل رگرسیون گام به گام استفاده شد (جدول 4). متغیر جنسیت در قالب یک متغیر دو ارزشی (مرد=0، زن=1) به مدل وارد شد. در مرحله اول جنسیت، بخشش، بهزیستی معنوی و دنیای عادلانه به مدل رگرسیون وارد شدند. نتایج این مرحله نشان داد که حدود 7 درصد از واریانس بهزیستی اجتماعی توسط این چهار متغیر تبیین می‌شود ($R^2=0/07$)، $F(4,13)=8/59$. ضریب جنسیت برای پیش‌بینی بهزیستی اجتماعی

وارد شده‌اند معنادار نیست که نشان می‌دهد. اجتماعی نقش تعدیل‌گر ندارد. جنسیت در رابطه این متغیرها با بهزیستی

جدول 3. نتایج تحلیل رگرسیون بهزیستی اجتماعی

T	Beta		B	عوامل پیش‌بین	
15/27**	-	6/37	97/25	مقدار ثابت	بلوک اول
-2/12*	-0/10	1/21	-2/57	جنسیت	
-0/34	0/02	0/08	-0/03	بخشش	
-1/50	0/07	0/06	-0/09	بهزیستی معنوی	
4/35**	0/21	0/04	0/17	دنیای عادلانه	
0/66	0/19	0/15	0/10	جنسیت* بخشش	بلوک دوم
-0/08	-0/03	0/13	-0/01	جنسیت* بهزیستی معنوی	
1/45	0/52	0/08	0/12	جنسیت* دنیای عادلانه	

*P<0/05 **P<0/01

نتیجه‌گیری و بحث

بدانند، حفظ می‌کنند (فرانکین‌برک¹، 2014). نتایج حاصل از پژوهش حاضر بیانگر آن است که در مردان بهزیستی اجتماعی رابطه مثبت و معناداری با دنیای عادلانه دارد که با یافته پژوهش آگگان و کاراداق (2016) همسویی دارد و نیز در گروه زنان همانند مردان بهزیستی اجتماعی رابطه مثبت و معناداری با دنیای عادلانه دارد، اما این رابطه ضعیف‌تر است. در کل نتایج حاکی از آن است که باور به دنیای عادلانه، یک رابطه مثبت و معنادار با بهزیستی اجتماعی دارد که با یافته پژوهش‌های خسروی و ناهیدپور (1391)؛ کاراداق و آگگان (2016)؛ زنگ و زنگ (2016)؛ رهپرداز و شیرازی (1395) و گل‌پرور و جوادی (1385) همسو است. در تبیین یافته فوق باید اذعان نمود

هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه بین باور به دنیای عادلانه، بهزیستی معنوی و بخشش با بهزیستی اجتماعی با توجه به نقش جنسیت بود. از نظر روان‌شناسان اعتقاد به جهان عادلانه یکی از اساسی‌ترین و همچنین یکی از ویژگی‌های اساسی است که مغز انسان را گمراه می‌کند، این تمایل به عدالت چنان قوی است که قربانیان بی‌عدالتی، به جز آن‌هایی که مازوخیست هستند و از آزار خویش رنج می‌برند، ایمان خود را به یک جهان راستین از طریق انکار، به حداقل رساندن ناعدالتی‌هایی که تجربه کرده‌اند، با اعتقاد به اینکه این بی‌عدالتی‌ها در مسیر اصلاح هستند و قابل اجتناب‌اند و شاید دارای مزایای زیادی باشند و یا اینکه ممکن است خود را به‌عنوان منبع مشکل

1. Frankinberk

(دولبرت و دونات¹، 2015). مردم می‌خواهند باور کنند که جهان عادلانه و منصفانه است و اگر آن‌ها زمان صرف کنند و تلاش کنند و به نتایج مثبت برسند بدون شک به پاداش خواهند رسید. با این حال، بیشتر مواقع در واقعیت این انتظارات برآورده نمی‌شوند. مردم اغلب زمان و تلاش زیادی را صرف رسیدن به اهداف خود می‌کنند مانند ازدواج و شغل، اما موفق به دستیابی و یا کسب رضایت نمی‌شوند. اگر چه اعتقاد به یک جهان عادلانه به نظر می‌رسد که دارای ساختار قوی و مفید است و می‌تواند در بهبود کیفیت زندگی افراد مؤثر باشد، اما ده‌ها سال است که در مورد ویژگی‌های روان‌شناختی آن بحث وجود دارد (لنچ و چانگ²، 2007).

یکی دیگر از نتایج این پژوهش نشان داد بین بخشش با بهزیستی اجتماعی در مردان و زنان رابطه وجود ندارد که با یافته پژوهش غباری‌بناب، کیوان‌زاده و وحدت‌تربتی (1387) ناهم‌سو است. پژوهش آن‌ها نشان داد پسران دانشجویی که از عفو و گذشت بالا در ابعاد شناختی و رفتاری برخوردارند میزان افسردگی، اضطراب و مشکلات روابط بین فردی‌شان کمتر است و دانشجویان دختری که از عفو و بخشش در بعد عاطفی برخوردارند خصومت و دشمنی آن‌ها کمتر است. به نظر می‌رسد تکمیل پرسشنامه‌ها در خوابگاه‌های دانشجویی، توسط دانشجویان غیربومی شرکت‌کننده در این پژوهش را می‌توان دلیل این یافته بیان کرد. از آنجایی که بخشش می‌تواند تحت تأثیر خانواده، دوستان و گروه‌های

با توجه به تحقیقات صورت گرفته درباره دنیای عادلانه، مردم باید باور داشته باشند که آن‌ها در جهانی زندگی می‌کنند که در آن هر کس آنچه را که سزاوار و شایسته کسب است، به دست می‌آورد. این اعتقاد به یک دنیای عادلانه به‌مثابه یک نگاه متفاوت است و عملکردهای تطبیقی مهمی دارد. نقطه قوت این باور، بیشتر اعتماد افراد به عدالت و دفاع از عدالت در جهان به شکل رفتاری یا شناختی است و بهزیستی اجتماعی بهترین نقطه قوت آن‌هاست (فرانکین برگ، 2014). جوامع آکنده از نابرابری و بی‌عدالتی هستند. توزیع نابرابر ثروت و یا نابرابری دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی و آموزش و پرورش برای یک عده معدود و خاص. افراد، واکنش‌های متفاوتی به بی‌عدالتی‌های مشاهده شده یا تجربه شده نشان می‌دهند. برخی با دیدن بی‌عدالتی‌ها دچار خشم می‌شوند و به دنبال عدالت هستند. برخی از قربانیان از بی‌عدالتی نفرت دارند و برخی به دنبال ایجاد سیستم‌هایی هستند تا عدالت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را اجرا کنند؛ به عبارت دیگر هر چه مردم بیشتر به دنیای عادلانه باور داشته باشند، بیشتر به عدالت احترام خواهند گذاشت. فرضیه جهان عادلانه معتقد است که مردم باید به یک جهان عادلانه اعتقاد داشته باشند که در آن همه افراد آنچه را که سزاوار و شایسته آن هستند به دست آورند. این اعتقاد آن‌ها را قادر می‌سازد تا با محیط اجتماعی خود مدارا کنند، به شرط اینکه در اعتقاد خود راسخ و پایدار باشند و نیز در عملکردهای خود سازگارانۀ برخورد کنند

1. Dolbert & Donate

2. Lench & Chang

خاکساری و همکاران (1394) ناهمسو است. از جمله عواملی که در سال‌های اخیر در حوزه روان‌شناسی مورد تأکید قرار گرفته، بهزیستی معنوی است و یافته‌ها حاکی از آن است که بهزیستی معنوی یک ترکیب مذهبی، اجتماعی و روانی است (برجعی و همکاران، 1391). تقویت بهزیستی معنوی، سازگاری با شرایط را افزایش می‌دهد، نگرش فرد را نسبت به دنیای اطرافش بهبود می‌بخشد و موجب کاهش احساسات منفی و ایجاد حس استقلال می‌شود؛ بنابراین اگر بعد معنوی انسان (خداشناسی و خودشناسی) تقویت شود، او در برخورد با مسائل، مشکلات و افراد جامعه سازگاری بیشتری خواهد داشت و کمتر به اختلالات روانی مانند احساس تنهایی، اضطراب، از دست دادن معنای زندگی مبتلا خواهد شد؛ در نتیجه ابعاد جسمی، اجتماعی و روانی سلامت فرد ارتقاء می‌یابد، بهزیستی اجتماعی افزایش یافته و عملکرد فرد در زندگی شخصی و متن اجتماع بهبود خواهد یافت. در تبیین این یافته می‌توان گفت احتمالاً شرکت‌کنندگان پژوهش حاضر به دلیل عدم شناخت کافی و درست در مورد فلسفه زندگی انسان در دنیا و آخرت، باورها و اعتقادات ضعیف دینی و مذهبی (با توجه به شرایط فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جامعه)، تغییر حمایت اجتماعی خانواده به حمایت‌های جدید اجتماعی (به واسطه تنوع در برقراری روابط اجتماعی با افراد مختلف به دلیل دوری از خانواده) و تمایل به پیروی از آیین‌ها و فرقه‌های نوظهور تحت تأثیر گروه دوستان و همسالان دینی، نتوانستند نمره بالایی برای بهزیستی معنوی

اجتماعی قرار بگیرد (کرنز و فینچام¹، 2004) می‌توان نتیجه گرفت در این پژوهش الگوی روابط اجتماعی و حمایت اجتماعی دانشجویان به خاطر دور بودن از خانواده و ارتباط بیشتر با همسالان، در مقایسه با زمانی که در کنار خانواده زندگی می‌کنند، تغییر می‌کند که این خود می‌تواند معنی «بخشش» را برای آن‌ها تغییر دهد به این صورت که در شرایط بروز خطا و رنجش، فرد خطا دیده تحت تأثیر همسالان خود، بیشتر به گرفتن انتقام تشویق می‌شود که این افزایش قدرت انتقام‌گیری باعث کاهش شادکامی و افزایش افسردگی (ریجاوک و جورسک²، 2010) و در نتیجه کاهش بهزیستی اجتماعی خواهد شد.

یکی دیگر از یافته‌های این پژوهش نشان داد بین بهزیستی معنوی با بهزیستی اجتماعی در زنان و مردان رابطه وجود ندارد. با توجه به اینکه پژوهشی که این دو متغیر را بررسی کرده باشد، یافت نشد و از آنجائی که بین مفهوم سلامت روانی و سلامت اجتماعی فاصله نزدیک است (سام‌آرام و افجه، 1389)، لذا از پژوهش‌های حوزه سلامت روانی و بهزیستی روان‌شناختی برای توضیح این یافته استفاده خواهد شد. یافته این پژوهش با نتیجه مطالعه افشانی و شیری محمدآباد (1395)؛ پندر³ و همکاران (2010)؛ چراغی و مولوی (1385)؛ ستوده و همکاران (1394)؛ روو و ونگ⁴ (2006)؛ جعفری (1394)؛ کاتون⁵ و همکاران (2009)؛ آنترینر⁶ (2010) و

1. Kearns & Fincham
2. Rijavec & Jurčec
3. Pender
4. Rew & Wong
5. Cotton & et al
6. Unterrainer

ویژگی‌های خاص زنان و مردان به لحاظ شناختی باور به دنیای عادلانه بررسی نشده ولی در پژوهش‌هایی که همسویی دیده شده این بررسی صورت گرفته است.

از سوی دیگر این یافته که جنسیت در رابطه بین بخشش با بهزیستی اجتماعی تأثیر ندارد با نتیجه پژوهش سمیاری، هروی‌کریموی، نصیری و عربی (1394) و حمید و زمستانی‌یامچی (1393) همسو است. در توضیح این یافته می‌توان به دستورات دین اسلام و آیات قرآن اشاره کرد که از عفو و گذشت به‌عنوان صفت زیننده مؤمنان (منظور زنان و مردان) یاد می‌کند و مؤمنان را از انتقام گرفتن، کینه‌توزی و دشمنی با یکدیگر بر حذر داشته است و در واقع به آن‌ها فرصتی می‌دهد تا در مقابل وقایع مادی و معنوی دردناکی که توسط خودشان یا دیگران برایشان اتفاق می‌افتد، بخشش را به‌عنوان یکی از ارکان محوری در زندگی خود قرار دهند. از طرف دیگر بخشش روی روان فرد بخشنده (مردان و زنان) بوده و دارای اثرات فراوانی بر کنش‌های آتی فرد خطاکار و خطادیده، روابط اجتماعی آن‌ها است.

از طرفی عدم وجود نقش مؤثر جنسیت در رابطه بین بهزیستی معنوی و بهزیستی اجتماعی، با پژوهش جعفری‌پور، برجی و مسلمی (2016)؛ بیگدلی و کریم‌زاده (1385) و عصارودی، گل‌افشانی و اکابری (1390) که نشان داد جنسیت در رابطه با بهزیستی معنوی و کیفیت زندگی تأثیر ندارد و با پژوهش چراغی و مولوی (1385) که نشان داد نمره دینداری در دو جنس معنادار

کسب کنند. از طرفی اطلاعات دموگرافیک نشان می‌دهد اکثر شرکت‌کنندگان در این پژوهش غیربومی هستند؛ بنابراین زندگی در خوابگاه، برقراری روابط اجتماعی جدید با همسالان، تغییر حجم دروس و الگوی مطالعه، ناکامی‌های تحصیلی، احساس تنهایی به خاطر دوری از خانواده و ... دانشجویان را تحت فشار روانی قرار می‌دهد که به نظر می‌رسد در این شرایط ممکن است به جای کسب آرامش روحی و روانی از طریق تحکیم رابطه با خدا و انجام فرایض دینی، با عضویت در گروه‌ها و اجتماعات نامناسب به سمت انجام رفتارهای اجتماعی پرخطر (مصرف سیگار، مواد مخدر، دوستی‌های نامشروع و...) سوق پیدا نمایند و سلامت روان و بهزیستی اجتماعی آن‌ها به خطر بیفتد.

یکی دیگر از نتایج پژوهش نشان داد جنسیت در رابطه بین باور به دنیای عادلانه، بخشش و بهزیستی معنوی با بهزیستی اجتماعی مؤثر نیست که با یافته پژوهش‌های گل‌پرور و عربی (1388) و درم و استاورز¹ (1998) همسو است، اما با یافته پژوهش‌های آکگان و کاراداق (2016)؛ آمبریوز و شیهان² (1990) ناهمسو است. چرا که یافته‌های این پژوهشگران نشان می‌دهد مردان باور به دنیای عادلانه قوی‌تری نسبت به زنان دارند. پژوهش‌هایی که نشان از عدم وجود رابطه باور به دنیای عادلانه با جنسیت دارند، پژوهش‌هایی هستند که به طور کلی به بررسی موضوع پرداخته‌اند، نه به صورت جزئی و روشکافانه. به‌عنوان مثال می‌توان گفت با توجه به

1. Derem & Stavers

2. Amberiuz & Shehan

نقش آن در جنبه‌های مختلف زندگی برگزار شود تا از طریق آن‌ها، بتوان بهزیستی اجتماعی در دانشجویان را ارتقا بخشید و از به وجود آمدن مشکلات روان‌شناختی جدی پیشگیری کرد.

✓ با توجه به اینکه سازه باور به دنیای عادلانه می‌تواند در جهت ایجاد زندگی سالم و سلامت روان مؤثر باشد، پیشنهاد می‌شود باورهای معطوف به عدالت به اشکال مختلف از جمله اطلاع‌رسانی، تقویت شود زیرا این امر می‌تواند در جهت نهادینه کردن و گسترش نوع دوستی و خیرخواهی در سطح جامعه گام بلندی بردارد و بدین ترتیب بنیان‌های سرمایه اجتماعی که برای داشتن بهزیستی اجتماعی در جامعه امری ضروری است را تقویت نماید.

قدردانی

در پایان از تمامی دانشجویانی که صمیمانه ما را در انجام این پژوهش یاری رساندند سپاسگزاریم.

دینداری و سلامتی اجتماعی زنان شهر یزد». مجله دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران، پی‌اورد سلامت، 11. ص 74-66.

برجعی، م؛ نجفی، م؛ عیسی‌مراد، ا و منسوبی‌فر، ح (1391). «نقش بهزیستی معنوی و امیدواری در پیش‌بینی رضایت از زندگی دانشجویان». فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، 4. ص 136-120.

نیست، همسو است. این موضوع را می‌توان چنین تبیین نمود که چالش درباره معنای زندگی و هدف از زیستن در همه افراد وجود دارد و همه به نحوی در جستجوی هماهنگی درونی و حفظ تمامیت وجودی خود و حس ارتباط با جهان پیرامون هستند و احتمالاً تفاوت جنسی در این زمینه وجود ندارد.

پیشنهادها

✓ با توجه به نتایج به دست آمده، به محققان دیگر انجام این پژوهش در جامعه دانش‌آموزان و دانشجویان دانشگاه‌های علوم پزشکی جهت مقایسه نتایج به دست آمده و برنامه‌ریزی دقیق با هدف ارتقاء متغیرهای مذکور پیشنهاد می‌گردد.

✓ با توجه به اینکه پژوهش حاضر در مورد سازه مثبتی همچون بهزیستی معنوی تأکید داشته است، پیشنهاد می‌شود آموزش‌های معنوی و مذهبی همراه با برنامه‌های دسته‌جمعی و کارگاه‌هایی در مورد مثبت اندیشی، معنویت و

منابع

اصفهانی، م (1389). «سلامت معنوی و دیدگاه‌ها». فصلنامه اخلاق پزشکی، 4. ص 41-49.

افجه، ع و سام‌آرام، م (1389). «تأثیر میزان سلامت اجتماعی بر میزان رضایت شغلی - مورد مطالعه: کارکنان شرکت لیزینگ خودرو». برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، 3. ص 1-30.

افشانی، ع و شیرینی‌محمدآباد، ح (1395). «رابطه

فرزانه میکائیلی منبع و همکاران: پیش‌بینی بهزیستی اجتماعی بر اساس باور به دنیای عادلانه، بخشش و بهزیستی معنوی با ...

فصلنامه آموزش مهندسی ایران. 17. ص 93-79

حیدری، غ و غنایی، ز (1387). «هنجاریابی پرسشنامه بهزیستی اجتماعی». اندیشه و رفتار در روان‌شناسی بالینی. 7. ص 31-40.

خاکساری، ز؛ صیامی، ل؛ مهرابی، م و شیخ‌آبادی، ب (1394). «بررسی رابطه بهزیستی معنوی با سلامت روانی». همایش بین‌المللی روان‌شناسی و فرهنگ زندگی، استانبول ترکیه.

خرم، ر و جباری، پ (1394). «بررسی ارتباط سلامت معنوی و پیشرفت تحصیلی در دانشجویان دانشگاه فرهنگیان شهید مطهری شیراز». دومین کنفرانس بین‌المللی علوم رفتاری و مطالعات اجتماعی.

خسروی، ز و ناهیدپور، ف (1391). «بررسی رضایت از زندگی، باور به عادلانه بودن دنیا و حمایت‌های اجتماعی در دانشجویان ایرانی و هندی». زن و جامعه. 3. ص 1-16.

رهپرداز، ف و شیرازی، م (1395). «نقش باور به دنیای عادلانه در پیش‌بینی رضایت از زندگی دانشجویان دختر دانشگاه سیستان و بلوچستان». مجله مطالعات روانشناسی تربیتی. 24. ص 120-130.

زندپور، ط و یادگاری، ه (1386). «ارتباط

بیگدلی، ا و کریم‌زاده، س (1385). «بررسی عوامل تنیدگی‌زا بر سلامت روانی پرستاران شهر سمنان». مجله کوشش. 8. ص 21-26.

جعفری، ع (1394). «پیش‌بینی‌کننده‌های معنوی سلامت روان پرستاران: نقش معنا در زندگی، بهزیستی مذهبی و بهزیستی وجودی». مجله دانشکده پرستاری و مامائی ارومیه. 13(8). 676-684

چراغی، م و مولوی، ح (1385). «رابطه بین ابعاد مختلف دینداری و سلامت عمومی در دانشجویان دانشگاه اصفهان». مجله پژوهش‌های تربیتی و روان‌شناختی. 2. ص 56-78.

حاتمی‌پور، خ؛ رحیم‌آقایی، ف و دلفان، و (1395). «ارتباط سلامت معنوی با اضطراب دانشجویان پرستاری در اولین تجربه کارآموزی». مجله پژوهش پرستاری. 11. ص 24-34.

حمید، ن و زمستانی‌بامچی، م (1393). «رابطه هوش معنوی و ویژگی‌های شخصیتی با کیفیت زندگی در دانشجویان پزشکی». مجله پزشکی هرمزگان. 17. ص 347-355.

حیدرزادگان، ع و کوچک‌زایی، م (1394). «بررسی رابطه بین سلامت معنوی و خودکارآمدی دانشجویان دانشکده‌های فنی - مهندسی و روانشناسی و علوم تربیتی».

- بخشش با رضایت از زندگی در بانوان دانشجوی متأهل غیربومی دانشگاه‌های تهران». *مطالعات زنان*. 5. ص 109-122.
- سمیاری، ح؛ هروی کریموی، م؛ نصیری، م و عربی، ف (1394). «بررسی ارتباط بین هوش معنوی و سلامت عمومی دانشجویان». *نشریه تخصصی روان پرستاری*. 3. ص 47-58.
- ستوده، ح؛ شاکری نیا، ا؛ قاسمی جوبنه، ر؛ خیراتی، م و حسینی صدیق، م (1394). «نقش سلامت خانواده و سلامت معنوی در بهزیستی روان‌شناختی پرستاران». *مجله تاریخ پزشکی*. 7. ص 161-173.
- شهبازی‌راد، ا؛ مؤمنی، خ و میردردیکوند، ف (1395). «نقش سلامت معنوی در تبیین کیفیت زندگی دانشجویان دانشگاه رازی کرمانشاه در سال تحصیلی 93-94». *نشریه اسلام و سلامت دانشگاه علوم پزشکی بابل*. 2. ص 94-45.
- صفائی‌راد، ا؛ کریمی، ل؛ شموسی، ن و احمدی طهور، م (1389). «رابطه بهزیستی معنوی با سلامت روان در دانشجویان». *مجله دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی سبزوار*. 17. ص 274-280.
- طیبی، م؛ احمدی‌طهران، ه؛ سلطان‌عربشاهی، س؛ حیدری، س؛ عبدی، ز و صفایی‌پور، ر (1392). «ارتباط سلامت معنوی و پیشرفت تحصیلی دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی قم». *مجله دانشگاه علوم پزشکی قم*. 7. ص 72-78.
- عصارودی، ع؛ گل‌افشانی، ا و اکابری، آ (1390). «ارتباط سلامت معنوی و کیفیت زندگی در پرستاران». *مجله دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی*. 3. ص 88-97.
- غباری‌بناب، ب؛ کیوان‌زاده، م و وحدت‌تربتی، ش (1387). «بررسی رابطه بین عفو و گذشت و سلامت روانی در دانشجویان علوم پزشکی». *روان‌شناسی و علوم تربیتی*. 3. ص 167-180.
- فیروزبخت، م؛ ریاحی، م و تیرگر، آ (1396). «بررسی عوامل مؤثر بر سلامت اجتماعی زنان: یک مطالعه مروری در مجلات فارسی». *سلامت اجتماعی*. 4. ص 190-200.
- کلاتری، م و اسماعیلی، م (1394). «الگوی تحول در روانشناسی». *دو فصلنامه مطالعات تحول در علوم انسانی*. 2. ص 23-40.
- گل‌پرور، م و جوادی، س (1385). «الگوی ارتباطی بین باورهای دنیای عادلانه برای خود و دیگران با شاخص‌های بهداشت روانی: الگوی معادلات ساختاری». *فصلنامه اصول بهداشت روانی*. 8. ص 109-122.

فرزانه میکانیلی منبع و همکاران: پیش‌بینی بهزیستی اجتماعی بر اساس باور به دنیای عادلانه، بخشش و بهزیستی معنوی با ...

بین فرسودگی و استرس شغلی با رفتارهای غیراخلاقی: گسترش یک نظریه در ایران». روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی در ایران. 15. ص 103-117.

مردی، ع (1390). «عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت. دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت». ویژه‌نامه تحقیقات سلامت روان و پیشگیری از اعتیاد. 3. ص 4-12.

نیکوگفتار، م (1388). «آموزش هوش هیجانی، ناگویی خلقی، سلامت عمومی و پیشرفت تحصیلی». روان‌شناسی تحولی. 3. ص 187-198.

Anonymous, A. (1979). "Spiritual Health Is Important, Say our Readers". *WHO Chronicle*, 33(1), 29-30.

Baskin, T.W. & Robert, D.E. (2004). "Intervention Studies on Forgiveness: A Meta-Analysis". *Journal Journal of Counseling & Development*, 82(1), 79-90.

Crak, S. & Akgun, S.A. (2016). "Cross-cultural comparison of Turkish and Kyrgys student's belief in a just world". *Journal of Human Sciences*, 13(3), 234-240.

Cotton, S., Kudel, I., Roberts, Y.H., Pallerla, H., Tsevat, J. & Succop, P. (2009). "Spiritual Well-Being and Mental Health Outcomes in Adolescents with or Without Inflammatory Bowel Disease". *Journal of Adolescence*, 44(5), 485-92.

Dalbert, C. & Donat, M. (2015). "Belief

گل‌پرور، م و جوادیان، ز (1390). «نقش ددرس‌آفرینی و اسناد شناختی در رابطه با باور به دنیای عادلانه و واکنش پرخاشگرانه دانش‌آموزان دختر، نظریه ایرانی کارکرد دوگانه متضاد». اندیشه و رفتار (روان‌شناسی کاربردی). 6. ص 61-71.

گل‌پرور، م و عریضی، ع (1388). «رابطه بهزیستی معلمان با باور به دنیای عادلانه و رفتارهای پرخاشگرانه دانش‌آموزان در مقابل آن‌ها». پژوهش در سلامت روان‌شناختی. 3. ص 25-36.

گل‌پرور، م؛ عابدینی، م و شاهنگی، ح (1393). «نقش باور به دنیا عادلانه و ناعادلانه در پیوند

in a Just World. In *International Encyclopedia of Social and Behavioral Sciences*" (2nd edition). Publisher: Oxford, UK: Elsevier, Editors: J. D. Wright, pp.487-492.

Day, J.M. (2010). "Religion, Spirituality and Positive Psychology in Adulthood: A Developmental View". *Journal of Adult Development*, 17(4), 29-215.

Diebel, T. (2012). "The importance of forgiveness: How can psychological research inform educational practice?" University of Southampton Doctoral Programme in Educational Psychology. <http://blog.soton.ac.uk/edpsych/files/2015/12/Forgiveness-May-2012->

Ellison, C.W. (1983). "Spiritual well-being: Conceptualization and measurement". *Journal of Psychology & Theology*, 11(4), 330-340.

- 61(2), 121-140.
- Fisher, J.W. (2002). "The Personal and Social Correlates of Spiritual Well-Being among Primary School Teachers". *Pastoral Psychology*, 51 (1), 3-11.
- Frankenberg, G. (2014). "Human rights and the belief in a just world". *International Journal of Constitutional Law*, 12 (1), 35-60.
- Gomez, R. & Fisher, J.W. (2016). "Domains of spiritual well-being and development and validation of the Spiritual Well-Being Questionnaire, Personality and Individual". *Health Journal*, 2(2), 84-88.
- Hartz, G.W. (2005). *Spirituality and Mental Health: Clinical Applications*. New York: Haworth press.
- Jafari Poor.H., Borji. M. & Moslemi. A. (2016). "The Relationship between Spiritual Well-being and Quality of Life and Optimism on the Staff of Arak University of Medical Sciences". *Health, Spirituality and Medical Ethics*, 3(2), 14-20.
- Janoff, A. & Bulman, R. (1992). *"Shattered assumptions: Toward a new psychology of trauma"*. New York: Free press.
- Kearns, A. & Fincham, S. (2004). "A prototype analysis of forgiveness". *Personality and Social Psychology Bulletin*, 30(4), 838-855
- Keyes, C.L. (2006). "Mental health in adolescence: Is America's youth flourishing?" *American Journal of Orthopsychiatry*, 76(3), 395-402.
- Keyes, C.L.M. (1998). "Social well-being". *Social Psychology Quarterly*, 61(2), 121-140.
- Koeing, H.G., McCulloch, M.E. & Larson, D.B. (2001). *"Handbook of Religion and Health"*. Oxford: Oxford University Press.
- Laval, B.O. (2010). "Factors Affecting Academic Achievement of Students in Senior School Certificate Examination (SSCE) in Christian Religious Knowledge". *An International Multi-Disciplinary Journal, Ethiopia*, 4 (4), 420-433.
- Lench H.C. & Chang Esther, S. (2007). "Belief in an Unjust World: When Beliefs in a Just World Fail". *Journal of Personality Assessment*, 89(2), 126-135.
- Lerner, M.J. (1980). *"The belief in a just world: a fundamental delusion"*. New York: Plenum Press.
- Lerner, M. & Miller, D. (1978). "Just world research and the attribution processes: looking back and a head". *Psychological Bulletin*, 85(4), 1030-1051.
- Levin, J.S., Taylor, R.J. & Chatters, L.M. (1994). "Race and gender differences in religiosity among older adults: Findings from four national surveys". *Journals of Gerontology*, 49(3), 137-145.
- Line, C.R. (2005). *"The relationship between personal religiosity and academic performance among LDS [Latter Day Saints] college students at Brigham Young University (Utah)"*. Retrieved from <http://docs.lib.purdue.edu/dissertations/AAI3185795/>
- McCullough, M.E., Garth Bellah, C., Dean Kilpatrick, S. & Johnson, J.L.

- (2001). "Vengefulness: Relationships with forgiveness, rumination, well-being, and the big five". *Personality and Social Psychology Bulletin*, 27(5), 601-610.
- Mueller P.S, Plevak D.J. & Rummans, T.A. (2001). "Religious Involvement, Spirituality, and Medicine: Implications for Clinical Practice". *Mayo Clinic Proceedings*, 76(12), 1225-1235.
- Pender, N.J., Murdaugh, C.L. & Parsons, M.A. (2010). *Health promotion in nursing practice*. 6th Ed. USA: Appleton-Century-Crofts.
- Reily, B.B., Perna. R. & Tate, D.G. (1998). "Type of spiritual well-being among person with chronic illness: Their relationship to various forms of quality of life". *Archives of Physical Medicine and Rehabilitation*, 79(3), 258-264.
- Rijavec. A. & Jurčec, G. (2010). "Gender Differences in the Relationship between Forgiveness and Depression/Happiness". *Psihologijske Teme*, 19(1), 189-202.
- Rew, L. & Wong, Y.J. (2006). "A systematic review of associations among religiosity/spirituality and adolescent health attitudes and behaviors". *Journal of Adolescent Health*, 38(4), 433-42.
- Thompson, Y.L., Snyder, C.R., Hoffman, L., Michael, S.T., Rasmussen, H.N., Billings, L.S, & et al. (2005). "Dispositional forgiveness Of Self, Other, and situations". *Journal of Personality*, 73(4), 316-360.
- Toussaint, L. & Webb, J.R. (2005). "Theoretical and empirical connections between forgiveness, mental health, and well-being". In E. L. Worthington, Jr. (Ed.), *Handbook of Forgiveness* (pp. 349-362), New York: Routledge.
- Unterrainer, H.F., Ladenhauf, K.H., Moazedi, L.M., Wallner-Liebmann, S.J. & Fink, A. (2010). "Dimensions of religious/spiritual well-being and its relation to personality and psychological well-being". *Personality and Individual Differences*, 49(3), 192-97.
- Wohl, J.A.M., Pychyl, A.T. & Bennett, H.S. (2010). "I forgive myself, now I can study: How self-forgiveness for procrastinating can reduce future procrastination". *Personality and Individual Differences*, 48(7), 803-808.
- Worthington, E.L. & Scherer, M. (2004). "Forgiveness is an emotion-focused coping strategy that can reduce health risks and promote health resilience: theory, review, and hypotheses". *Psychology & Health*, 19(3), 385-405. doi:10.1080/088704404200019667.
- Zhang, Z. & Zhang, J. (2016). "Belief in a just world mediates the relationship between institutional trust and life satisfaction among the elderly in China". *Personality and Individual differences*. 83(2), 164-169.

COPYRIGHTS



© 2019 by the authors. Lisensee PNU, Tehran, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY4.0) (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>)